

تجلی قرآن در صحیفہ مبارکہ سی سجادہ

با ترجمہ ای نوین، کواچالی و شرح (بابہ گیری از شرح معتبر و متون تفسیری، روایی و عرفانی)

(جلد اول)

مؤلف: فاطمہ احمدی

احمدی، فاطمه، ۱۳۳۹

صحیفه سجادیه، برگزیده، شرح.

تجلی قرآن در صحیفه‌ی سجادیه / فاطمه احمدی.

تهران: حنیفا، ۱۳۹۰.

شابک جلد یک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۶۹-۰۰-۴

شابک جلد دو: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۶۹-۱-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۶۹-۳-۵

علی بن حسین (ع) امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه - جنبه‌های قرآنی

علی بن حسین (ع) امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه - نقد و تفسیر

قرآن - تحقیق

علی بن حسین (ع) امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ ق. صحیفه سجادیه، برگزیده، شرح

۱۳۹۰ ۳۰۹۶ ص / ۱ / ۲۹۷ BP

۲۹۷/۷۷۳

۲۵۱۱۱۰۴

تجلی قرآن در صحیفه سجادیه ۱

فاطمه احمدی

طرح جلد از فرزاد ادیبی

صفحه‌آرایی: فهیمه ابراهیمی

نشر حنیفا

با همکاری کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۱ ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۸۶۹-۰۰-۴

لینتوگرافی: گرافیک گستر

چاپ و صحافی: کانونچاپ

۱۷۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
آغاز سخن	۱۷
پیش گفتار	۱۸
مقدمه	۲۲
حقیقت دعا	۲۲
درجات دعا	۲۴
شرایط استجاب دعا	۲۵
۱. اخلاص	۲۶
۲. حقیقی بودن دعا	۲۷
۳. قرب	۲۸
۴. اضطرار	۳۰
موانع استجاب دعا	۳۱
راز تأخیر، یا عدم اجابت دعای بندگان صالح	۳۲
آثار دعا	۳۴
۱. انس با حق، و مصونیت از خودفراموشی	۳۴
۲. رفع بلاهای حتمی و غیر حتمی	۳۵
۳. توسعه‌ی رزق	۳۶
سفارش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد دعا	۳۶
توهم بی فایده بودن دعا	۳۸
تجلی معصومین (علیهم السلام) در دعا	۴۰
صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده‌ی، صادره‌ای از عرش ولایت	۴۱
سند صحیفه‌ی سجاده‌ی	۴۳
صحیفه‌ی سجاده‌ی، لب لباب عرفان	۴۴
تجلی قرآن در صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده‌ی	۴۶
بوستان اول: ستایش خدای عزوجل	
متن دعای اول	۵۳
درآمد	۵۹
فراز ۱	۶۲
محدوده‌ی ستایش	۶۲
معنای اولیت و آخریت خداوند	۶۳

۶۴	تجلی آیات
۶۴	فراز ۲
۶۵	ناتوانی دیدگان از مشاهده‌ی خداوند
۶۶	تجلی آیات
۶۷	فراز ۳
۶۷	فرو ماندن توصیف‌گران از وصف خداوند
۶۸	تجلی آیات
۶۹	فراز ۴
۶۹	معنای اجماع و احرار و تفاوت آن‌ها
۷۰	تجلی آیات
۷۱	فراز ۵
۷۱	سیر تکاملی مخلوقات، در مسیر اراده و محبت خداوند
۷۲	تجلی آیات
۷۳	فراز ۶
۷۳	ناتوانی انسان در تأثیر و تصرف در اصل وجود
۷۵	تجلی آیات
۷۶	فراز ۷
۷۶	غذای روح
۷۷	تجلی آیات
۷۸	فراز ۸
۷۸	کاستن و افزودن فقط به دست خدا
۷۹	تجلی آیات
۸۰	فراز ۹
۸۰	تفاوت اجل موقوف و اجل موقوف
۸۲	تجلی آیات
۸۳	فراز ۱۰
۸۳	گذر سریع عمر و رسیدن به خط پایان
۸۴	داستان دزد و گردو فروش
۸۴	تجلی آیات
۸۶	فراز ۱۱

۸۶	بازتاب عملکرد انسان
۸۷	تجلی آیات
۸۸	فراز ۱۲
۸۸	کیفر و پاداش، اقتضای عدل الهی
۸۹	تجلی آیات
۹۰	فراز ۱۳
۹۱	بازخواست از انسان
۹۲	تجلی آیات
۹۳	فراز ۱۴
۹۳	معرفت حمد، عطیه‌ی الهی
۹۵	تجلی آیات
۹۶	فراز ۱۵
۹۶	ناسپاسی، عامل خروج از حد انسانی و تنزل به حسیض حیوانی
۹۷	حمد، فصل مقوم انسان
۹۸	تجلی آیات
۹۹	فراز ۱۶
۹۹	خداشناسی و سپاسگزاری فطری انسان
۱۰۱	تجلی آیات
۱۰۲	فراز ۱۷
۱۰۲	علم فطری به ربوبیت خداوند
۱۰۳	تجلی آیات
۱۰۴	فراز ۱۸
۱۰۴	اخلاص فطری در توحید
۱۰۶	حجاب انحراف و تردید
۱۰۶	تجلی آیات
۱۰۸	فراز ۱۹
۱۰۸	حمد، ره‌توشه‌ی سبقت به سوی رضایت و عفو الهی
۱۰۹	راز تقدیم رضایت خداوند بر عفو او
۱۱۰	تجلی آیات
۱۱۱	فراز ۲۰



۱۱۱.....	حمد، روشنی بخش تاریکی‌های برزخ.....
۱۱۳.....	تجلی آیات.....
۱۱۴.....	فراز ۲۱.....
۱۱۴.....	حمد، عامل ترفیع منزلت.....
۱۱۵.....	تجلی آیات.....
۱۱۷.....	فراز ۲۲.....
۱۱۷.....	همگان در گرو عملکرد خویش.....
۱۱۸.....	تجلی آیات.....
۱۱۹.....	فراز ۲۳.....
۱۱۹.....	حمد شایسته‌ی اعلیٰ علّیتین.....
۱۲۱.....	تجلی آیات.....
۱۲۱.....	فراز ۲۴.....
۱۲۲.....	حمد، عامل روشنی چشم و رؤسفندی در قیامت.....
۱۲۳.....	تجلی آیات.....
۱۲۴.....	فراز ۲۵.....
۱۲۴.....	حمد، عامل رهایی از عذاب دوزخ.....
۱۲۵.....	تجلی آیات.....
۱۲۶.....	فراز ۲۶.....
۱۲۶.....	حمد، عامل همزیستی با فرشتگان و پیامبران.....
۱۲۸.....	تجلی آیات.....
۱۳۰.....	فراز ۲۷.....
۱۳۰.....	زیباترین آفریده و نیکوترین روزی‌ها.....
۱۳۱.....	تجلی آیات.....
۱۳۲.....	فراز ۲۸.....
۱۳۲.....	ولایت تکوینی انسان بر مخلوقات.....
۱۳۴.....	تجلی آیات.....
۱۳۵.....	فراز ۲۹.....
۱۳۵.....	واهب و منعم حقیقی.....
۱۳۷.....	تجلی آیات.....
۱۳۸.....	فراز ۳۰.....

۱۳۸.....	عجز از ادای شکر الهی.....
۱۴۰.....	تجلی آیات.....
۱۴۰.....	فراز ۳۱.....
۱۴۱.....	هماهنگی اندام انسان با کرامت او.....
۱۴۲.....	روح یا روح؟.....
۱۴۲.....	تجلی آیات.....
۱۴۴.....	فراز ۳۲.....
۱۴۴.....	روزی‌های پاکیزه.....
۱۴۵.....	تجلی آیات.....
۱۴۶.....	فراز ۳۳.....
۱۴۶.....	امر و نهی، وسیله‌ی آزمون‌های الهی.....
۱۴۷.....	سوار بر مرکب گناهان.....
۱۴۹.....	تجلی آیات.....
۱۵۱.....	فراز ۳۴.....
۱۵۱.....	مدارای خدای مهربان با گنهکاران.....
۱۵۲.....	تجلی آیات.....
۱۵۳.....	فراز ۳۵.....
۱۵۳.....	توبه‌ی عبد، نشانه‌ی احسان ربّ.....
۱۵۵.....	تجلی آیات.....
۱۵۶.....	فراز ۳۶.....
۱۵۶.....	توبه‌ی سنگین امت‌های گذشته.....
۱۵۷.....	سهولت تکلیف بر امت اسلام.....
۱۵۹.....	تجلی آیات.....
۱۶۱.....	فراز ۳۷.....
۱۶۱.....	عذر گنه‌کار، حجتی بر ضدّ او.....
۱۶۲.....	تباهی یا نیکبختی.....
۱۶۳.....	تجلی آیات.....
۱۶۵.....	فراز ۳۸.....
۱۶۵.....	برترین ستایش.....
۱۶۶.....	تجلی آیات.....

۱۶۹	فراز ۳۹
۱۷۰	حمدی به ازای همه‌ی نعمت‌های الهی
۱۷۰	راز ستایش خداوند، بر نعمت‌های گذشتگان و آیندگان
۱۷۱	تجلی آیات
۱۷۲	فراز ۴۰
۱۷۲	حمدی جاویدان تا قیامت
۱۷۳	تجلی آیات
۱۷۴	فراز ۴۱
۱۷۴	حمدی نامحدود و بی‌شمار
۱۷۵	تجلی آیات
۱۷۶	فراز ۴۲
۱۷۶	آثار حمد
۱۷۸	تجلی آیات
۱۸۰	فراز ۴۳
۱۸۰	حماسه‌ی عارفانه
۱۸۱	تجلی آیات

بوستان دوم: درود بر رسول خدا ﷺ

۱۸۵	متن دعای دوم
۱۸۷	درآمد
۱۹۰	فراز ۱
۱۹۰	برتری پیامبر ﷺ بر سایر پیامبران
۱۹۱	امت واقعی پیامبر ﷺ
۱۹۲	تجلی آیات
۱۹۳	فراز ۲
۱۹۳	قدرت مطلقه‌ی خداوند
۱۹۵	تجلی آیات
۱۹۵	فراز ۳
۱۹۶	گواهی امت پیامبر ﷺ بر سایر امت‌ها
۱۹۷	تجلی آیات
۱۹۹	فراز ۴

پیامبر ﷺ قافله سالار همه‌ی خوبان و همه‌ی خوبی‌ها	۱۹۹
تجلی آیات	۲۰۰
فراز ۵	۲۰۲
همه چیز برای خدا و در راه او	۲۰۳
تجلی آیات	۲۰۴
فراز ۶	۲۰۵
رنج‌های طاقت فرسای پیامبر ﷺ در راه دین	۲۰۵
تجلی آیات	۲۰۷
فراز ۷	۲۰۸
هجرت از زادگاه محبوب	۲۰۸
تجلی آیات	۲۰۹
فراز ۸	۲۱۰
خواری دشمنان و آرامش دوستان	۲۱۰
تجلی آیات	۲۱۱
فراز ۹	۲۱۲
اعتلای کلمه‌ی توحید، در پناه نصرت الهی	۲۱۲
تجلی آیات	۲۱۴
فراز ۱۰	۲۱۵
منزلتی بی نظیر در پیشگاه حق	۲۱۵
تجلی آیات	۲۱۶
فراز ۱۱	۲۱۷
برترین مقام شفاعت	۲۱۷
تجلی آیات	۲۱۹
فراز ۱۲	۲۲۰
تبدیل بدی‌ها به چندین برابر خوبی	۲۲۰
تجلی آیات	۲۲۲
بوستان سوم: درود بر حاملان عرش و تمام فرشتگان مقرب	
متن دعای سوم	۲۲۷
در آمد	۲۳۱
فراز ۱	۲۳۴



۲۳۴.....	حاملان عرش، همواره در تسبیح و تقدیس.....
۲۳۶.....	تجلی آیات.....
۲۳۷.....	فراز ۲.....
۲۳۷.....	فاعل مختار، ولی معصوم.....
۲۳۸.....	تجلی آیات.....
۲۳۹.....	فراز ۳.....
۲۳۹.....	اسرافیل، در انتظار فرمان.....
۲۴۱.....	تجلی آیات.....
۲۴۲.....	فراز ۴.....
۲۴۲.....	میکائیل، مقتدا و جبرئیل، فرمانروای اهل آسمان.....
۲۴۴.....	تجلی آیات.....
۲۴۵.....	فراز ۵.....
۲۴۵.....	روح، موکل بر فرشتگان حُجُب.....
۲۴۷.....	تجلی آیات.....
۲۴۸.....	فراز ۶.....
۲۴۸.....	سفیران وحی.....
۲۵۰.....	تجلی آیات.....
۲۵۱.....	فراز ۷.....
۲۵۱.....	خستگی ناپذیری از تسبیح خدای متعال.....
۲۵۲.....	تجلی آیات.....
۲۵۳.....	فراز ۸.....
۲۵۳.....	خشوع و تواضع در پیشگاه کبریایی حق.....
۲۵۵.....	تجلی آیات.....
۲۵۵.....	فراز ۹.....
۲۵۶.....	اعتراف به تقصیر.....
۲۵۷.....	تجلی آیات.....
۲۵۸.....	فراز ۱۰.....
۲۵۸.....	روحانیتین و مقربین.....
۲۵۹.....	تجلی آیات.....
۲۶۰.....	فراز ۱۱.....

۲۶۰	فرشتگان اختصاص یافته به ذات خداوند.....
۲۶۱	تجلی آیات.....
۲۶۲	فراز ۱۲.....
۲۶۲	در کرانه‌های آسمان، آماده برای اجرای فرمان.....
۲۶۳	تجلی آیات.....
۲۶۴	فراز ۱۳.....
۲۶۴	فرشتگان موکل ابر، رعد، برف و باران.....
۲۶۵	تجلی آیات.....
۲۶۶	فراز ۱۴.....
۲۶۷	فرشتگان موکل بادها و کوه‌ها.....
۲۶۸	تجلی آیات.....
۲۷۰	فراز ۱۵.....
۲۷۰	خزانه‌داران آب‌ها.....
۲۷۱	تجلی آیات.....
۲۷۲	فراز ۱۶.....
۲۷۲	فرشتگان حامل بلا و آسایش.....
۲۷۳	تجلی آیات.....
۲۷۵	فراز ۱۷.....
۲۷۵	سفیران نیکوکار و نگهبانان بزرگوار.....
۲۷۶	تجلی آیات.....
۲۷۷	فراز ۱۸.....
۲۷۷	فرشتگان مرگ و برزخ.....
۲۷۹	تجلی آیات.....
۲۸۰	فراز ۱۹.....
۲۸۰	طواف کنندگان بیت‌المعمور.....
۲۸۱	موکلان دوزخ و بهشت.....
۲۸۲	تجلی آیات.....
۲۸۳	فراز ۲۰.....
۲۸۳	استقبال کنندگان از بهشتیان، و به زنجیر کشندگان دوزخیان.....
۲۸۴	تجلی آیات.....



۲۸۶.....	فراز ۲۱.....
۲۸۶.....	فرشتگان ناشناخته.....
۲۸۷.....	تجلی آیات.....
۲۸۷.....	فراز ۲۲.....
۲۸۷.....	فرشتگان ساکن هوا، زمین و آب.....
۲۸۸.....	تجلی آیات.....
۲۸۹.....	فراز ۲۳.....
۲۸۹.....	فرشتگان سوق دهنده‌ی انسان و گواه بر او.....
۲۹۰.....	تجلی آیات.....
۲۹۱.....	فراز ۲۴.....
۲۹۱.....	طلب فزونی کرامت و طهارت برای فرشتگان.....
۲۹۲.....	تجلی آیات.....
۲۹۳.....	فراز ۲۵.....
۲۹۳.....	ارتباط مُلک و ملکوت.....
۲۹۴.....	تجلی آیات.....
بوستان چهارم: درود بر پیروان رسولان	
۲۹۹.....	متن دعای چهارم.....
۳۰۲.....	درآمد.....
۳۰۴.....	فراز ۱.....
۳۰۴.....	ایمان عمیق تابعین، به غیب.....
۳۰۶.....	تجلی آیات.....
۳۰۷.....	فراز ۲.....
۳۰۷.....	سلام بر پیشوایان تقوا، در هر زمان.....
۳۰۸.....	تجلی آیات.....
۳۰۹.....	فراز ۳.....
۳۰۹.....	صحابی راستین پیامبر ﷺ.....
۳۱۰.....	تجلی آیات.....
۳۱۲.....	فراز ۴.....
۳۱۲.....	سبقت برای پذیرش دعوت.....
۳۱۳.....	تجلی آیات.....

فراز ۵	۳۱۴
نبرد پیروزمندانه با خویشان، در حمایت از رسول خدا ﷺ	۳۱۴
تجلی آیات	۳۱۵
فراز ۶	۳۱۶
جان نثاری عاشقانه، به امید تجارتي جاودانه	۳۱۷
تجلی آیات	۳۱۷
فراز ۷	۳۱۹
یادکرد خداوند و خوشنودی او، پاداش مجاهدان	۳۱۹
تجلی آیات	۳۲۰
فراز ۸	۳۲۱
سیاسگزاری خداوند نسبت به مهاجران و ستمدیدگان راه حق	۳۲۱
مراتب هجرت	۳۲۲
تجلی آیات	۳۲۳
فراز ۹	۳۲۴
دعای تابعین در حق سابقین	۳۲۴
تجلی آیات	۳۲۵
فراز ۱۰	۳۲۶
پیروی توأم با بینش	۳۲۷
رابطه‌ی شاکله با عمل	۳۲۷
تجلی آیات	۳۲۹
فراز ۱۱	۳۳۰
درود بر همه‌ی پیروان صادق تا قیامت	۳۳۰
تجلی آیات	۳۳۱
فراز ۱۲	۳۳۱
تفسیر درود امام علی علیه السلام بر پیروان	۳۳۲
تجلی آیات	۳۳۳
فراز ۱۳	۳۳۴
امید و اشتیاق به «ما عندالله»، و ترک بدگمانی نسبت به مردم	۳۳۴
تجلی آیات	۳۳۵
فراز ۱۴	۳۳۶



۳۳۶.....	زهد نسبت به دنیا، و رغبت نسبت به آخرت.....
۳۳۷.....	تجلی آیات.....
۳۳۸.....	فراز ۱۵.....
۳۳۹.....	عافیت از سختی‌های جان‌کندن، و نجات از دوزخ.....
۳۴۰.....	تجلی آیات.....
۳۴۳.....	فهرست احادیث.....
۳۴۸.....	فهرست آیات.....
۳۶۴.....	فهرست منابع.....

آغاز سخن

نویسنده بزرگوار تجلی قرآن در صحیفه‌ی سجّادیّه!
پس از سلام و دعا؛

اینجانب با کثرت مشغله لازم دانستم، از ابتدا تا انتهای کار زیبا و محکم شما را ببینم؛
چرا که سیری در معارف حقّه‌ی الهیه‌ی آیات قرآن و صحیفه‌ی سجّادیّه، زیور آل
محمد ﷺ بود، و این سیر، بر همگان امری لازم است.

کار به دقت انجام گرفته، و آیات شریفه‌ی قرآن به تناسب انتخاب شده، و توانسته
است صحیفه را تفسیری خالص و پاک، نسبت به برخی آیات قرآن که مضامینش در
دعاها به کار گرفته شده، نشان دهد.

تجلی قرآن در صحیفه‌ی سجّادیّه، بیانگر حنانت مذهب تشیع؛ یعنی حدیث نبوی
«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الْقَلَيْنَ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي» است؛ زیرا حقیقت کلام خدای متعال را
باید در کلام انعمی معصومین (علیهم السلام) جستجو کرد؛ که گشتار امان معصوم ما همان کلمات
وحی است.

بسیار جای خوشحالی و سرور است که بانویی از بانوان آراسته به ایمان و پاکی
باطن، به چنین برنامه‌ی مبارکی اقدام نموده، و ثابت کرده در این عصر عجیب و غریب
و پر از فتنه و فساد، می‌توان زینب گونه شده، و حجت را بر دیگر بانوان که به راهی
دیگر رفته‌اند، تمام نمود.

مؤسسه دارالعرفان

حسین انصاریان

پیش‌گفتار

حمد ازلی خدایی را ستاست که ما را رخصت داد تا بر مائده‌ی کریمانه‌ی دعا بنشینیم و جانمان را از زلال تسنیم آن سیراب سازیم و بر مراتب صعود، عارفانه سلوک نماییم و از رهگذار پرمخاطره‌ی دنیا و هجوم وساوس شیطانی و رذایل نفسانی، بر مرکب رهوار نیایش گذر کرده، در حصن حصین توحید و ولایت قرار گیریم.

تحیت بیکران بر انبیای الهی، به‌ویژه قافله سالار هستی، حضرت ختمی مرتبت ﷺ؛ که آنچه از معارف بر تارک مخلوقات افاضه فرموده‌اند، مأخوذ از «حی لا یموت» است، و حیات بخش مردگان.

و درود بی‌منتها بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، که رازهای نهانی کتاب حکیم را فقط آنان می‌دانند، و بر اخراج غیب کتاب الهی به شهادت، فقط آنان توانمندند؛ زیرا جایگاه آنان بهترین جایگاه قرآن است.

«فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ»^۱ آنان را در برترین جایگاه قرآن فرود آرید.

عترت پاکی که تجسم یافته‌ی قرآن تدوینی در خارج‌اند، و کلامشان تفسیر انفسی قرآن کریم است.

و سلام بی‌حد بر حضرت سیدالساجدین و زین‌العابدین علیهم‌السلام، که در برج دعا و

نیایش، بدر منیر است، و در تفرّج و تضرّع به درگاه کبریایی، از قلمرو ناسوتی پرواز کرده و از منطقه‌ی ملکوت و جبروت فراتر رفته و در حضرت لاهوت سکنی گزیده است.

اسلوب ثقلین آن است که برای درک قرآن باید به کلام معصوم علیه السلام نگرست، و برای درک کلام معصوم علیه السلام باید به قرآن مراجعه کرد؛ زیرا مترجم حقیقی قرآن، انسان کامل است. از این رو است که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدُّفْتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا بُدُّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ، وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ»^۱؛ این قرآن خطوطی است که میان دو جلد پنهان است، با زبان سخن نمی‌گوید و نیازمند به ترجمان است، و تنها مردانی (انسان‌های کامل) می‌توانند از آن سخن بگویند.

آن‌چه در این مجموعه می‌خوانید، اهدایی است در صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه، برای بیان هم‌سویی تمام و کمال مقام عتوت طاهرین علیه السلام با ظاهر و باطن قرآن. گرچه بررسی عمیق این آموزه، میسر احدی نیست؛ ولی آنچه اشتیاق وافر ما را بر این امر برانگیخت، کلام حکیمانه‌ی «ما لایدرک کُلُّهُ لَا يُتْرَكُ کُلُّهُ» است.

در این بضاعت مزجات - که ران ملخی است در پستگاه سلیمان ولایت، و فقط گواهی است بر ارادت ما - هر دعا (بوستان) به فرازمایی تقسیم شده و ذیل هر فراز، با بهره‌گیری از شروح معتبر و مجموعه‌های تفسیری و روایی و عرفانی، شرحی به ایجاز و اختصار بیان گردیده است. مهم‌ترین و جامع‌ترین منبع ما در این بخش، شرح «ریاض السالکین» اثر دانشمند مستطاب سیدعلی خان مدنی شیرازی رحمته الله علیه است. ایشان در توضیح ادبیات و بلاغت کلام امام علیه السلام جدّ بلیغ داشته‌اند و به تناسب مطلب، مباحث کلامی، فلسفی و عرفانی نیز طرح کرده‌اند. برای ایشان و همه‌ی خادمان علوم آل محمد علیهم السلام از حضرت منان، غفران و رحمت، و از حضرت سید الساجدین علیه السلام شفاعت و عنایت می‌طلبیم.

در بخش تجلی آیات - که نوآوری این کتاب بیشتر مربوط به این بخش است - برای هر فراز، آیه‌ای که به لحاظ مضمون و مفهوم، با دعا همخوانی تامّ و صریح دارند و می‌توان گفت در حقیقت، منبع صدور فیض آن دعا بوده‌اند، ارائه می‌گردد؛^۱ تا منظور ما که بیان تجلی کتاب مبین وحی در آینده‌ی تمام نمای صحیفه‌ی امام سجاده علیه السلام است، حاصل گردد و بر ما معلوم نماید که نیایش‌های حضرتش، در هر محتوایی که باشند، به منزله‌ی شرح و تفسیر ملکوتی قرآن، و ترجمانی دیگرگونه از آیات کریمه‌ی الهی است. و چنان‌که خواهیم دید، هر فراز از دعا به چندین آیه اشارت دارد؛ که این خود بیانگر اوج جلوه‌گری کتاب حق در کلام عصمت است؛ تا آنجا که باطن آیات در اعلا درجه‌ی خویش، بر زبان مبارک امام علیه السلام که خود حقیقت قرآن و قرآن حقیقی است، در صورت دلپذیر دعا نمایان می‌شود.

برای حصول اطمینان از تنقیح مطالب، این کتاب به محضر تنی چند از اساتید و مدرسین فرهیخته‌ی حوزه و دانشگاه عرضه گردید و همگان از سر لطف و تأیید، حقیر را نواخته و بعضاً پیشنهادهایی جهت تکمیل این پژوهش مطرح فرمودند؛ که به دیده‌ی منت پذیرا گشته و اعمال نمودیم.

در این مجال لازم است، بنا بر کلام نورانی عصمت که: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از سرکار خانم فهیمه ابراهیمی که با سرمایه‌ی صبر، اخلاص، و اشتیاق وافر در کار آماده‌سازی این مجموعه، حقیر را یاری نمودند، و همچنین از «کتاب نیستان» که همواره از حمایت صادقانه‌اش بهره‌مند بوده‌ام، و به حق، در صداقت و همت در عرصه‌ی نشر کم نظیر است، سپاسگزاری نموده و تفضل کریمانه از سوی صاحب این اثر را برایشان آرزو نمایم.

اینک مشتاقانه و مستمندانه بر این خوان ولایی می‌نشینیم و چشم بر افاضات سجادیه علیه السلام داریم؛ تا در سایه‌ی الطاف و عنایات ربوبی و فیوضات حضرت

۱. به جهت پرهیز از طولانی و تکرار شدن، آیه‌ای که مضمون مشابه دارند، به پاورقی ارجاع داده می‌شود.

سَيِّدُ الْعِبَادِ وَالسَّاجِدِينَ^۱ هر یک از دعا‌های این صحیفه‌ی نورانی را بر قرآن عرضه نماییم، و تجلّی عظیم کتاب حکیم را بر آن‌ها به تماشا بنشینیم.

تا چه بازی رخ نماید، بیدقی خواهیم راند عرصه‌ی شطرنج رندان را مجال شاه نیست^۱ باشد که مقبول و مؤید آستان قدس حضرتش قرار گیرد، و به خوی کرامت و بنده‌پروری، تاج رضایت و قبول بر فرق این فقیر بنهند، و حقیر را در «صَفِّ النَّعَالِ» شیفتگان علوم آل محمد^(ص) بپذیرند. ان شاء الله

وَعَيْنُ الرُّضَا عَنْ كُلِّ عَيْبٍ كَلِيلَةٌ كَمَا أَنَّ عَيْنَ الشُّخْطِ تُبْدِي الْمَسَاوِيَاً
نگاه از سر رضایت، پوشاننده‌ی هر عیبی است؛ همان‌گونه که نگاه از سر نارضایتی، بدی‌ها را، آشکار می‌سازد.

﴿وَمَا تَوَلَّى الْآلَ بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ﴾.^۲

رمضان المبارک ۱۴۳۲

۱. دیوان حافظ.

۲. مجموعه‌ی ورام، ص ۲۰۰.

۳. هود (۱۱) / ۸۸

مقدمه

حقیقت دعا

راز نهاد هستی، ربط محض با خالق خویش است، و هستی با تمام حقیقتش، زبانی است که دائماً بقای خویش را از «باقی» می‌طلبد. انسان نیز در این مجموعه، با امر به دعا، مخصوص گردیده است و دعا‌های مأثوره از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) اذن این ارتباط ویژه میان خالق و مخلوق است.

قطعاً اگر چنین ارتباطی با درگاه کبریایی او نباشد، بندگان استعداد پذیرش رحمت الهی را از کف خواهند داد و او عنایت خاص خویش را قطع خواهد نمود.

﴿قُلْ مَا يَعْبُدُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۱؛ بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد.

انسانی که نسبت به حضرت حق، هیچ‌گونه شانی جز رابطه‌ی عبودیت ندارد، چه چاره دارد جز آن‌که برای هدایت و تعالی خویش، در ارتباطی همیشه و مستقیم با او باشد و نیازهایش را از او طلب نماید؟

از برای رفع حاجات آفرید
هر کجا فقری، نوا آنجا رود
تا بجوشد آبت از بالا و پست^۲

حق تعالی کاین سماوات آفرید
هر کجا دردی، دوا آنجا رود
آب کم جو، تشنگی آور به دست

۱. فرقان (۲۵)/۷۷.

۲. متنوی، دفتر اول.

بنابراین، حقیقت دعا برای آن است که خدا انسان را به حضور بپذیرد و به او روی نماید، و انسان او را زیارت نماید؛ نه اینکه حتماً خواسته‌اش را برآورده سازد. یکی از برجسته‌ترین جملات مناجات شریف شعبانیه، به همین معنا اشاره دارد:

«وَأَقِيلْ إِلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ»^۱ خدایا! آن‌گاه که با تو نجوا می‌کنم، به من رو کن.

به تعبیر دیگر می‌توان گفت: حقیقت دعا، همان روح دعا است، که داعی خود را در مشهد و منظر محبوب بداند و معبود را مشاهده نماید، و در ضمیر او جز معبود چیزی حضور و ظهور نداشته باشد. مراحل نهایی این مشاهده همان است که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

«مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ»^۲ خدایی را که نبینم، عبادت نمی‌کنم.

امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله، دعا را اینچنین تعریف فرموده‌اند:

«الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۳ دعا ابزار نبرد مؤمن، ستون دین و نور آسمان و زمین است.

انسان همان‌گونه که در جهاد اصغر به سلاح رزم نیازمند است، در جهاد اوسط و اکبر، به سلاح دعا نیاز دارد؛ زیرا با اتکا به خدا و استمداد از او، می‌توان دشمنان اقلیم جان را دفع نمود. دین انسان هنگامی استوار است که صاحب آن، اهل نیایش و ارتباط با خدا باشد، و این چنین دعایی، مایه‌ی نورانیت آسمان و زمینی است که هستی خود را از «نورالسماوات والارض» دارند.

علامه طباطبایی رحمته الله در تعریف دعا فرموده‌اند:

«أَنَّ حَقِيقَةَ الدُّعَاءِ وَالسُّؤَالِ، هُوَ الَّذِي يَحْمِلُهُ الْقَلْبُ وَ يَدْعُو بِهِ لِسَانُ الْمَطْرُوقِ، دُونَ مَا يَأْتِي بِهِ اللِّسَانُ الَّذِي يَدْعُو كَيْفَمَا أُدِيرُ»^۴ حقیقت دعا آن است که از قلب برخیزد و زبان فطرت آن را بخواند؛ نه آنچه را که زبان هرگونه بگردد، بر آن جاری شود.

۱. التوحید، ص ۳۰۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۹۸.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰.

۴. المیزان، ج ۲، ص ۳۳.

تعریف فوق شامل دعای تکوینی هم می‌شود و آیهی ﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۱ همه‌ی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند. از او تقاضا می‌کنند. گواه بر آن است.

تأسیس مکتب دعا و نیایش و توصیه‌ی اکید آیات و روایات بر این روش، نشان از رازی دارد که میان خالق و مخلوق است و بی‌توجهی به آن، موجب خلأ روحی و معنوی شده، و آدمی در میان امواج سهمگین گذشته‌ی خویش و نیازهای متراکم آینده‌اش، خود را خواهد باخت؛ ولی همین موجود ناتوان و ضعیف با نیروی دعا، خود را به مبدأ نامتناهی عالم پیوند داده، و به پشتوانه‌ی امداد او، در برخورد با همه‌ی ناملايمات، پیروز میدان خواهد بود.

درجات دعا

دعا سه درجه دارد، که از دانی به عالی عبارتند از:

(۱) دعا به زبان مقال؛ همان دعای لفظی، و ظاهری است، که در تأثیر، قطعاً مانند دو مرتبه‌ی بالاتر نیست؛

(۲) دعا به زبان حال؛ بالاتر از مرتبه‌ی پیشین است و در آن لفظی مطرح نیست؛ بلکه فقط حالت خضوع انسان است که از خداوند تقاضا می‌کند؛

(۳) دعا به زبان استعداد؛ که بالاتر از دو مرتبه‌ی قبل است و قطعاً اثر دارد و مستجاب می‌شود؛ زیرا اگر موجودی قابلیت دریافت فیض را داشته باشد، و نقصی در قبول لطف در او نباشد، خداوند سبحان که منزّه از بخل و امساک است، او را به کمال استعداد خویش می‌رساند، و آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ﴾^۲ هر آنچه خواستید، به شما داده شد. گواه بر آن است؛ یعنی هرچه را به زبان استعداد خواستید، خداوند به شما داده است.

۱. الرحمن (۵۵)/۲۹.

۲. ابراهیم (۱۴)/۳۴.

البته نسبت دعا به دعاکنندگان یکسان نیست؛ چنان که رسول اکرم ﷺ به ابوذر فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! يَكْفِيكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ، مَا يَكْفِيكَ الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ»؛^۱ ای اباذر! دعای ابرار آنقدر کفایت می کند، که نمک برای غذا کافی است.

یعنی بکوش که از ابرار شوی و زبان حال و استعداد بیایی، به گونه ای که تالاب به دعا باز کنی، اثر کند؛ زیرا در این صورت کمی دعا، با حال و استعداد جبران می شود. به هر حال آنچه در هر سه مرتبه محفوظ است، صیغه ی عبادی دعا است؛ که فرموده اند: «الدُّعَاءُ مَخِ الْعِبَادَةِ»؛^۲ دعا مغز عبادت (اصل عبادت) است.

شرایط استجاب دعا

وعدۀ الهی تخلف ناپذیر است؛ که فرمود:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي مُسْتَجِيبٌ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»؛^۳ هنگامی که بندگان من، از تو درباره ی من سؤال کنند (بگر) من نزدیکم؛ دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، اجابت می کنم.

ولی قطعاً تحقق این وعده، منوط به وجود شرایطی در بندگان است؛ یعنی داعی باید به عنوان قبول کننده ی این فیض، دارای حسن قلبی باشد تا وعده ی خدای مهربان درباره ی او محقق گردد.

آداب و شرایط دعا در کتاب هایی که به صورت خاص به امر دعا پرداخته اند، به گونه ای مبسوط آمده است؛ ولی ما به جهت حفظ مقام و موضوع کتاب فقط برای آشنایی مخاطبان گرامی، به مهم ترین آن ها، به اجمال اشاره می کنیم و علاقه مندان را برای آگاهی از گستره ی این مباحث، به کتاب های خاص مربوط به این موضوع ارجاع می دهیم.

۱. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. البقرة (۲)/ ۱۸۶.

برجسته ترین و کلیدی ترین شرایط استجابت دعا را می توان در این چند مقوله خلاصه نمود:

۱. اخلاص

اخلاص یعنی فقط خدا را خواندن، و توجه به مؤثر حقیقی داشتن در درون و برون. کسی که در درون خود، هم خدا را منشأ اثر می داند و هم غیر خدا را، دعایش خالص نیست. در آیه ی فوق فرمود: ﴿إِذَا دَعَا﴾؛ یعنی فقط مرا بخواند، نه غیر مرا. یعنی دعای داعی مخلص فقط به اجابت می رسد.

البته لازم به ذکر است که این جمله، با توسل به اهل بیت علیهم السلام و درخواست از آنان منافات ندارد؛ زیرا درخواست از ایشان، به معنی درخواست از غیر خدا نیست و آن ذوات قدسی، مظاهر اسمای فعلی خداوند هستند، و همان طور که خواندن اسمای فعلی حق، خواندن غیر خدا نیست؛ خواندن ائمه اطهار علیهم السلام نیز چنین است. بنابراین، معنای اخلاص، نادیده انگاشتن اسباب ظاهری نیست، بلکه آن است که اسباب ظاهری را مجاری فیض آن مسبب حقیقی بدانیم. انسان با اخلاص، موحد است، یعنی در قلبش جز اعتقاد به خدا چیزی راه نیافته است؛ پس دعای موحد مستجاب است. دعای مخلصانه به عنوان عبادتی شایسته، در قرآن مورد تشویق قرار گرفته است: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾؛^۱ تنها خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید. در این صورت، دعای کسی که به مخزن خویش تکیه نموده، مخلصانه نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: دل های خود را خوب واری کنید؛ ببینید آیا دلتان پاک است، یا در آن علاقه به غیر خدا وجود دارد. اگر در آن جز خدا نبود، آنگاه هرچه خواستید از او مسألت کنید که می دهد.^۲

۱. غافر (۴۰)/۱۴.

۲. حکمت عبادات، ص ۲۳۰ (به نقل از امالی شیخ مفید، ص ۶۷).